

یکشنبه دهم اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

نشست نوزدهم ؛ سال دوم ؛ فقه هنر؛

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد و آله الطاهرين

اللهم كن لوليک الحجة ابن الحسن صلواتک علیه و علی آباءه فی هذه الساعة و فی کل ساعة و لیا و حافظا و قائدا و ناصرا و دلیلا و عینا حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا

فقه هنر: نقاشی و مجسمه سازی و اسناد الراء

به نظر ما عقل در مساله میتواند حضور داشته باشد و نمی تواند حضور داشته باشد ...

اگر از عقل بپرسیم نقاشی چه حکمی دارد ؟ میگوید به من چه

مجسمه سازی چه حکمی دارد ؟ می گوید اگر دین ساکت است من منعی نمی بینم

پس المساله بطبعها خالیة عن قضاء العقل ...

البته در استثنائاتی که عارض مفارق است نه عارض لازم

مجسمه موسولینی یا صدام یا هیتلر یا استالین را بسازند و در میدان شهر بخواهند نصب کنند این می شود ، تکریم فسقه ... این جا ، عقل ما نمی گوید بین شرع چه می گوید.

تکریم فسقه است عنوان واسطه در عروض است

به هر حال این که می گوئیم مجسمه صدام حرام است ؛ چون تکریم فسقه است ...

لا مجال للاستناد الى العقل ... فی الفتيا بجواز تصویر و التمثیل او منعهما ... الا باعتبار بعض العوارض ... (که از محل بحث ما خارج است)

عقل که بیرون برود سه چیز می ماند؛ اجماع ، سنت و قران

راجع به اجماع ؛ بحث های خود را دارد همیشه باید اصل و حدود اجماع معین باشد ...

ما دو نکته در صغرا داریم و یک نکته در کبرا داریم .

اصل اجماع؛

حدود اجماع؛

اعتبار اجماع ؛

در این مساله ای که ما هستیم ، اگر یادتان باشد مساله اختلافی بود این که برخی ها گفته اند ، به این اعتبار که یک نوع بت پرستی بوده است ...تکریم فسقه یا ترویج کفر بوده است و این ها مخالف بودند یا برخی ها که احتیاط می کردند و صراحتا مخالفت نمی کردند ...

فرض کنید مجسمه ذوات ارواح مدنظر است

کسی که می گوید الاجماع محتمل المدرکیه و لذا لا یعتمد علیه ...

مرحوم تبریزی در صراط النجاة ج ۵ ص ۳۷۹ می گوید:

که این جور جاها اجماع نیست

و اما قرآن

آیاتی از قرآن وجود دارد ؛ آیاتی که قابل استناد است

یکی کریمه سیزدهم از سوره سبأ:

يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَتَمَائِيلَ وَحِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَاتٍ ۗ اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا ۗ وَقَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ

آن دیوان بر او هر چه می خواست از (کاخ و عمارات و) معابد عالی و نقوش و تمثالها و ظروف بزرگ مانند حوضها و دیگهای عظیم که بر زمین کار گذاشته بودی همه را می ساختند. (و گفتیم که) ای آل داود شما شکر و ستایش خدا به جای آرید و (هر چند) از بندگان من عده قلیلی شکر گزارند.

این جا یک بحثی است و آن این که جناب سلیمان ، دستور به منکر که نمیداده است یا چیزی که کفر باشد

این آیه را داریم و مسلما دلالت بر منع نمی کند و اگر بخواهد دلالت کند دلالت بر جواز دارد ..

درتمائیل بحث است که این ها چه بوده ؟ آیا منظور نقاشی بوده یا حضرت دستور به ساختن مجسمه میدادند؟

برخی گفته اند این آیه ، اگر بخواهد دلالت بر جواز کند از کلمه تمائیل استفاده می کند .

شما اگر نقاشی سعدی را بکشید و بیاورید نمی گویند تمثال سعدی اما اگر مجسمه سعدی را درست کنید و مثل سعدی باشد می گویند این تمثال سعدی است اگر مثل سعدی باشد ...

لا یقل ان یکون ظاهر من تمثال الشیء و صورته بقول مطلق هو المشابه له فی الهیئة مطلقا ای من جمیع جوانب لا من جانب الله ، یعنی در واقع آیه می رود در لاین مجسمه سازی به عبارتی جناب سلیمان دستور مجسمه سازی میداده است .

۱ اما برخی گفته اند تمائیل چیز اعمی است می تواند هم مجسمه را شامل باشد هم غیر مجسمه را ...

مرحوم ایروانی می گوید اما ما اشتمل من الاخبار و لفظ المثل و التمثال فالظاهر منه هی مجسمهایشان می گوید صورت اعم است

نهایتا این که این آیه دلالت بر منع ندارد .

کسی بخواهد به منع قائل شود باید این آیه را حل کند .

و گرنه بخواهد اثبات حرمت کند با این آیه اثبات حرمت نمی شود.

یکی از آیاتی که به کار ما می آید و در لیست ادله ای که باید بررسی شود

آیه ای است که حضرت عیسی علیه السلام میفرماید:

***أَيُّ أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْرِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا يَأْذِنُ اللَّهُ وَأُبْرِي الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَى يَأْذِنُ اللَّهُ وَأَتَّبِعُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدْخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ * (٤٩ آل عمران)**

من از گل برای شما [چیزی] به شکل پرنده می سازم آنگاه در آن می دمم پس به اذن خدا پرنده ای می شود و به اذن خدا نابینای مادرزاد و پیس را بهبود می بخشم و مردگان را زنده می گردانم و شما را از آنچه می خورید و در خانه هایتان ذخیره می کنید خبر می دهم مسلما در این [معجزات] برای شما اگر مؤمن باشید عبرت است)

این آیه حداقل دلالت بر جواز اذاکان به غرض صحیح باشد ...

مورد بعد آیه راجع به ابراهیم علیه السلام

*** وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أُولِمُ تَأْمُرُ بِالْحَيَاةِ وَالْمَوْتِ وَلَكِن لِّيُظْمِرَ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ***

این آیه هم دلالت بر جواز دارد /

ظهر ان لا دلالة القرآن على جواز التصوير و التمثيل في الشريعة المقدسة

دلالت بر منع را هم که کسی نگفته است ..

اگر بخواهید از طریق استصحاب باشد که شبهات حکمیه در این باره نداریم و از طریق شرائع هم ما به چنین اصلی نرسیدیم

البته و ان کانت فيه ايماءاگر چه در قرآن ايماء به جواز هست اما غير از دلالت است .

عقل اجماع و قرآن در این موضوع نه برای جواز به کار می آید و نه برای منع

باید متمرکز شویم بر سنت

عمده دلیل ما سنت است ..

سنت هم به این سادگی قرآن و اجماع و عقل نیست .

ما آمدیم سنت را مدیریت کردیم از نظر دلالت

من نوشتم: اما السنة هي العمدة في الباب و الاخبار على طوائفه ..

اولین طایفه؛ ما يظهر منه حرمة كل تصوير نقاشيا او تجسيما ذیروح (ذوات ارواح) او غیر ذوات ارواح

روایتی است از ابوبصیر:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدِ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ أَنَانِي جَبْرَائِيلُ وَ قَالَ: يَا مُحَمَّدُ، إِنَّ رَبَّكَ يُقْرِنُكَ السَّلَامَ وَيُنْهَى عَنْ تَرْوِيقِ الْبُيُوتِ . قَالَ أَبُو بَصِيرٍ فَقُلْتُ: وَمَا تَرْوِيقُ الْبُيُوتِ، فَقَالَ: تَصَاوِيرُ التَّمَاثِيلِ.

این جا ممکن است بگوییم به نقاشی اشاره دارد که در خانه ممکن است هم ذیروح را در برگیرد هم غیر ذیروح را

از نظر سند ، من نوشتم:

و في السند القاسم بن محمد جوهری و علی بن ابی حمزه و هما واقفیان ...

ولی این روایت سند دیگری هم دارد

من این جا نوشتم جناب محاسن برقی از پدرش از سماعه و از ابوبصیر ...دیگر مشکل وقف ر اندارد ...

به نظر شما این روایت ، دلالتش خوب است یا نه ؟

شاید کسی بگوید بیوت موضوعیت دارد

شاید کسی عکس کوروش و ...را کشیده باشد

شاید هم بیوتش خصوصیت ندارد ولو پشت بامش نقاشی کشیده باشد

لذا من نوشتم روایت لا يدل على مطلق المنع ..اذ لعل لبیت خصوصية

مثلا تزویق المسجد حرام است آیا می توان از مسجد به غیر مسجد سرایت بدهیم؟

از مرحوم آقای تبریزی؛ کتاب ارشاد الطالب ج ۱ ص ۱۲۰ و ۱۲۱.... مطالبی در این باره آمده است .

پس این روایت فی نفسه برای اثبات حرمت تزویق کفایت می کند مگر بعد مانعی ایجاد شود

خبر دیگری از امام صادق علیه السلام دارد که :

ابو بصیر عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله أتاني جبرئيل فقال: يا محمد ان ربك ينهى عن التماثيل

مطالب را اگر خواستید پیگیری کنید

ابواب احكام مساكن كه ج ۳ باب ۳ می شود ص ۵۶۲ ح ۹ و ۱۰

باب ۲۸ ص ۴۳۱

این روایات که کلها ضعیف است ، استدلال شده برای منع مطلق ..

کلها ضعیفه من جهة اسنادها

مستدرک الوسائل در ابواب ما یکتسب به باب ۶ ج ۱۳ ص ۷۱

از همه اسان تر ، دراسات آقای منتظری هست ج ۲ ص ۵۶۱ تا ۵۶۴ که میتوانید مدیریت روایات کنید

تمرین خوبی هست این مدیریت روایات برای اجتهاد ...